

انتقاد بنی طرف از عدم توجه نویسندگان ایرانی به مسایل فرهنگی خلقهای ایران

متن کامل سخنرانی
یوسف عزیزی بنی طرف در کانون نویسندگان ایران

دوشنبه ۳ دی ۱۳۸۰ - ۲۴ دسامبر ۲۰۰۱

اشاره: متن زیر گزارش کوتاهی از سومین مجمع کانون نویسندگان ایران همراه با متن سخنرانی آقای یوسف عزیزی بنی طرف، نویسنده و روزنامه‌نگار کشورمان، در سومین مجمع عمومی کانون می‌باشد. آقای بنی طرف در توضیحی در این مورد نوشته‌اند:

سخنرانی اینجانب را در مجمع عمومی کانون نویسندگان ایران که در آن دست بر زخمی عمیق و مستتر زده‌ام در سایت خود و برای استفاده هموطنان ایرانی منتشر کنید. علت ارسال آن درج خلاصه و مسخ شده آن در برخی مطبوعات و عدم درج آن در سایر مطبوعات مدعی اصلا طلبی به علت تنگ‌نظری است.

با تشکر قبلی یوسف عزیزی نویسنده و روزنامه‌نگار
تهران ۸/۱/۲

(متن کامل سخنرانی یوسف عزیزی بنی طرف در کانون نویسندگان ایران)

انتقاد بنی طرف از عدم توجه نویسندگان ایرانی به مسایل فرهنگی خلقهای ایران

مجمع عمومی سالانه کانون نویسندگان ایران روز پنجشنبه ۲۹ اذر در سالن اجتماعات اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران برگزار شد.

در این نشست گسترده بیش از ۱۱۰ تن از نویسندگان، شاعران و مترجمان از تهران و سایر شهرستانها حضور داشتند. در میان حاضران چهره‌هایی نظیر محمود دولت‌آبادی، احمد محمود، فریبرز رییس‌دانا، ناصر زرافشان، ایرج کابلی، سیمین بهبهانی، محمد بهارلو، شمس لنگرودی، پوران فرخ‌زاد، محمدعلی سپانلو، صفدر تقی‌زاده، فرشته ساری، خشایار دیهیمی و جواد مجابی حضور داشتند.

برخی از اهل قلم قومیت‌ها نظیر ازبایجانی‌ها، کردها و عرب‌ها نیز در این اجتماع حضور داشتند.

در این زمینه می‌توان به حضور یوسف عزیزی بنی‌طرف و مسعود میناوی (عرب خوزستانی) رحیم رییس‌نیا و اسد بهرنکی و راشدی (ازبایجانی) و چمنی و ابراهیم یونسی و علی‌اشرف درویشیان (کرد) و سید علی صالحی (لر بختیاری) اشاره نمود.

در این نشست یوسف عزیزی بنی‌طرف طی سخنان کوتاهی خطاب به نویسندگان ایرانی چنین گفت:

دوستان محترم؛ ماده ۳ منشور کانون نویسندگان ایران صراحتاً می‌گوید "کانون، رشد و شکوفایی زبان‌های متنوع کشور را از ارکان اعتلای فرهنگی و پیوند و تفاهم مردم ایران می‌داند و با هرگونه تبعیض و حذف در عرصه چاپ و نشر آثار به‌همه زبان‌های موجود، مخالف است".

دوستان و هم‌قلمان! ایران یک کشور چندملیتی و چندقومی است و فارس و ترک و کرد و عرب و بلوچ و ترکمن در این دیار زندگی می‌کنند. این تنوع قومی در قانون اساسی ذکر شده و در منشور کانون نیز به آن توجه شده است. اما متأسفانه بخش عمده اصل ۱۵ قانون اساسی اجرا نشده و با موانع روبه‌رو است. در کانون هم ماده ۳ منشور آن اصلاً اجرا نشده است. دوستان نویسندگان! هیات دبیران محترم کانون! بیش از ۵۰ درصد از شهروندان این کشور، زبان مادری‌شان فارسی نیست، آیا کانون نویسندگان ایران در این دو سال و اندی که از فعالیتش می‌گذرد، گامی ولو کوچک برای "رشد و شکوفایی زبان‌های متنوع کشور" انجام داده است تا به "اعتلای فرهنگی و پیوند و تفاهم مردم ایران" کمک کند. باز صد رحمت به شماره‌های اول مجله نامه نویسندگان ایران که در

سال‌های ۵۸ و ۵۹ چاپ و منتشر شد و اسماعیل خویی، بخشی از آن را به شعر و ادبیات خلق‌ها و قومیت‌های ایران اختصاص داد.

ما شاعران، نویسندگان و روزنامه‌نگاران ایرانی بسیاری داریم که به زبان‌های غیرفارسی می‌نویسند و آثارشان در کشورها و مناطق همسایه ترک‌زبان و کردزبان و عرب‌زبان قابل عرضه است. آیا کانون نویسندگان که پسوند ایران را به دنبال می‌کشد با نام اینها آشناست؟ آیا اصولاً چیزی از ادبیات این قومیت‌های ایرانی می‌داند؟ آیا در این مدت بزرگداشتی برای بزرگان شعر و ادب آنها انجام داده یا فقط به صادق هدایت و ملک‌الشعرا بهار و دیگر نویسندگان فارس‌زبان اکتفا کرده است؟

چرا بزرگداشت ابراهیم یونسی را باید فقط کردها و دقیقاً جامعه کردهای مقیم مرکز برگزار کنند؟ و چرا کانون این کار را نکرده؟ تازه یونسی کسی است که به زبان فارسی بیش از زبان کردی خدمت کرده و مجموعه ترجمه‌ها و تالیفاتش شاهد این امر است.

لذا برای اجرای ماده ۳ منشور کانون و رفع اشکالات موجود، موارد زیر را پیشنهاد می‌کنم:

(۱) اگر کانون نویسندگان ایران به علت مشکلات مالی نمی‌تواند نشریه خاص قومیت‌های ایرانی را منتشر کند، لااقل بخشی از مجله "نامه کانون نویسندگان ایران" را به فرآورده‌های ادبی و فرهنگی خلق‌ها اختصاص دهد.

فراموش نکنیم که در هند و پاکستان، اتحادیه‌های نویسندگان به‌زبان هر یک از خلق‌ها و ملیت‌ها کتاب و نشریه منتشر می‌کنند. اتحادیه نویسندگان مراکش نیز برای یکی دو میلیون "بربری" مراکشی نشریه‌ای به زبان آنها منتشر می‌کند.

(۲) کانون نویسندگان ایران، شعبه‌هایی را در مناطق قومیت‌نشین باز کند. مثل انجمن نویسندگان عرب در خوزستان یا انجمن نویسندگان کرد در کردستان و انجمن نویسندگان ترک در آذربایجان و زنجان و تهران که می‌توانند زیرمجموعه کانون نویسندگان ایران باشند.

اگر می‌خواهیم کانون واقعاً کانون نویسندگان ایران باشد نه کانون نویسندگان فارس، باید این کار دیر یا زود انجام شود.

(۳) کانون و اعضای آن، استین‌ها را بالا ببرند و برای نقد گفتمان فرهنگی و ادبی ۷-۸ سال گذشته که الوده به شووینیسیم و ناسیونالیسم افراطی فارس‌گراست همت کنند.

دلایل زیادی این نقد را مبرم می‌سازد که عمده‌ترین آنها بروز فرهنگ‌های قومی و گسترش هویت‌خواهی قومی در ایران است. بنابر این برای حفظ وحدت ملی و فرهنگی بر مبنای "وحدت پلورال" یا "وحدت در عین تکثر" باید گفتمان شووینیست نویسندگان ایرانی در عرصه رمان، تاریخنگاری و تحقیقات اجتماعی نقد شود.

آموزه‌های فاشیستی و سامی‌ستیزی در آثار نویسندگانی همانند صادق هدایت و عبدالحسین زرین‌کوب، عامل مهمی برای ایجاد نفرت و تفرقه در میان قومیت‌های ایرانی است. این گفتمان باید توسط همه نویسندگان ایرانی و بخصوص توسط نویسندگان فارس‌زبان، نقد و بازبینی شود.

بر ما نویسندگان ایرانی است که در خلوت و جلوت خودمان، وقتی رمان یا مقاله یا تاریخ می‌نویسیم توجه کنیم که در یک جامعه چندقومی زندگی می‌کنیم و هر کلمه ما می‌تواند بازتابی در میان روشنفکران خلق‌های غیرفارس داشته باشد. از دشنام و توهین و تحقیر عرب‌ها، ترک‌ها، کردها و سایر قومیت‌ها پرهیز کنیم.

من نمونه‌های فراوانی از این موارد اعم از مقاله و رمان (بخصوص در مورد عرب‌ها) دارم که می‌توانم آنها را سر فرصت ذکر کنم.

در پایان یک نکته را نیز می‌خواستم یادآور شوم. دوست عزیزم محمود دولت‌آبادی چندی پیش در بزرگداشت ابراهیم یونسی از مردم عرب خوزستان با نام "مردم خوزی" یاد کردند. این اصطلاح را تاکنون چندبار از زبان بهرام بیضایی هم شنیده‌ام. بی‌پرده بگویم که نام این قوم ایرانی "مردم عرب خوزستان" است. اینان هزاران سال است در جنوب و جنوب غرب ایران زندگی می‌کنند؛ زبانشان عربی است و دارای تاریخ و جغرافیا و خصوصیات فرهنگی و روانی مشترک و خاص خود هستند و با دو عامل ایرانیت و اسلامیت با سرزمین ایران و سایر خلق‌های ایرانی پیوند دارند. لذا این مردم نه "عرب زبان" هستند و نه "خوزی" بلکه "مردم عرب خوزستان" هستند. این نکته را ناگفته نگذارم که من زبان فارسی را دوست دارم ولی البته زبان مادری‌ام را بیشتر. برای استدلال علاقه‌ام به زبان فارسی بد نیست بدانید که از بیست کتاب منتشر شده‌ام در داخل و خارج فقط سه یا چهار کتاب به زبان عربی است. من همواره سعی کرده‌ام همزه وصل میان دو فرهنگ و دو گنجینه عظیم ادبی فارسی و عربی باشم.